

مبانی امنیت ملی

تألیف

دکتر علی رضا قاضی زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات

بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۹۹

سرشناسه	قاضي زاده، علي رضا، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پديدآور	مباني امنيت ملي / تاليف علي رضا قاضي زاده؛ ويراستار منيره آذري.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهري	۲۵۹ ص.
فروست	انتشارات مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران: ۱۴۰۱.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۲۶-۲۸۲-۰
وضعيت فهرست‌نويسي	فيا
يادداشت	کتابنامه: ص [۲۴۹] - ۲۵۷.
موضوع	امنيت ملي
موضوع	National Security
شناسه افزوده	مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران
رده‌بندي کنگره	UA۱۰/۵
رده‌بندي ديويي	۳۵۵/۰۳
شماره کتابشناسي ملي	۶۲۱۲۸۷۵



انتشارات مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران؛ ۴۵۱

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵، تلفن: ۷ - ۲۳۶۶ - ۸۸۵۰۳۲۶۴، نمابر: ۸۸۵۰۳۲۶۴

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

مباني امنيت ملي

نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران

مؤلف: دکتر علي رضا قاضي زاده

ويراستار: منيره آذري

صفحه آرا: منصوره سعادت

طراح جلد: سعيد صباي

چاپ نخست: تير ماه ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۶-۲۸۲-۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قيمت: ۷۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

پیشگفتار

امنیت ملی از مفاهیم سهل و ممتنع در ادبیات راهبردی، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی به‌شمار می‌رود. با پایان گرفتن جنگ سرد، همراه با فروپاشی نظام دوقطبی و به هنگام شتاب گرفتن فرایند جهانی شدن در قالب نظم نوین جهانی، شاهد تحول در ساختار قدرت در عرصه بین‌الملل از دوقطبی به سلسله‌مراتبی و تغییرات ماهوی در نظام جهانی هستیم. همساز با این تغییرات، امنیت کشورها نیز دستخوش تحول شده است. این تغییر به‌حدی اساسی است که گاه ادعا می‌شود به‌لحاظ ظهور بازیگران غیرملی در قالب نهادهای سیاسی و غیرسیاسی فراملی و فرهملی، بحث امنیت از سطح ملی، از یک‌سو، به سطح بخش‌های مختلف ملت و ازسوی دیگر، به سطوح فراملی و جهانی کشیده شده است. در پی این تحولات، کارویژه امنیتی ملت - دولت نیز دچار تحول شده است. برخلاف گذشته که دولت در قالب نظم وستفالیایی، محیط خویش را آنارشیک فرض می‌نمود، به‌سبب بروز نظم نوین جهانی به‌طور فزاینده‌ای شاهد همگرایی یا همکاری کشورها در عرصه بین‌المللی هستیم. مفهوم امنیت دچار تحول اساسی شده و صرفاً از مفهوم مضیق نظامی یا فراتر گذاشته و وارد حوزه‌های مدرنی شده است که در گذشته آن مشاهده نداشتیم.

واقع‌گرایان «سیاست» را جنگ قدرت و «سیاست بین‌الملل» را جستجوی همانند هدف در سطح بین‌المللی می‌دانند. از نظر این مکتب فکری، سیاست بین‌الملل همانند دیگر سیاست‌ها، مبارزه برای قدرت، اما نه در سطح داخلی، بلکه در عرصه بین‌المللی و از طریق توسل به خشونت سازمان یافته است. مورگنتا پدر واقع‌گرایی جدید نیز همانند هابز، دولت‌ها را بازیگران اصلی در سیاست بین‌الملل می‌دانست و بر مسائل نظامی تأکید می‌کرد. بنابراین، براساس چنین برداشتی از سیاست بین‌الملل، امنیت، مفهومی نظامی به خود گرفته است و منبع آن نیز عوامل خارجی محسوب می‌شود و مهم‌ترین ابزار آن سرمایه‌گذاری در بخش‌های نظامی و استراتژیک است. کنت والتز از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل بیان می‌دارد که با وجود تنوع توضیحات ارائه‌شده در مورد امنیت، منابع ناامنی را می‌توان در سه سطح اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱. دسته اول، منبع اصلی ناامنی را در ذات و طبع بشری جستجو می‌کند؛

۲. دسته دوم، روابط درونی دولت را عامل تعارض و کشمکش می‌دانند؛

۳. عده‌ای دیگر بر این باورند که ناامنی از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ناشی می‌شود (سیف‌زاده،

(۱۳۸۳: ۲۸).

بنابراین، طبق یک روایت، ساختار آنارشیک دولت‌ها مهم‌ترین منبع ناامنی در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، قدرت در نظام بین‌الملل، مهم‌ترین عامل تمایز دولت‌هاست. بر این مبنای نظام بین‌الملل از سلسله‌مراتب قدرت تشکیل شده است. قدرت و سازگار توزیع آن موجب تحول موقعیت بازیگران می‌شود که نتیجه‌اش تحول در نظام بین‌الملل است. به عبارت دیگر، کیفیت توزیع قدرت، نوع ساختار نظام بین‌الملل را مشخص می‌تواند. در نظام بین‌الملل، چگونگی توزیع توانمندی‌ها در میان واحدها، عامل تمایز دولت‌هاست. همین توزیع است که مشخص می‌کند هریک از واحدها چه جایگاهی دارند. اگر توزیع توانمندی‌ها میان دو بازیگر باشد نظام دوقطبی، و اگر قدرت‌های بزرگ متعددی وجود داشته باشند نظام چندقطبی است.

از آغاز دوره نظام وستفالیایی تا دهه‌های اخیر، امنیت ملی کشورها عمدتاً در قالب امنیت نظامی تعریف می‌گردید، در حالی که امروزه محوریت امنیت نظامی زیر سؤال رفته است و امنیت ملی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تعریف می‌گردد. اما با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی میان انسان‌ها بالاتر رفته است. امنیت ملی را می‌توان وجود شرایطی دانست که در آن، ارزش‌های حیاتی یک ملت شامل: جان مردم؛ تمامیت ارضی؛ نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ و استقلال، آزادی و حاکمیت کشور در مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی حفظ شود. امنیت، همه عرصه‌های زندگی و روابط انسانی مشتمل بر گستره‌های فردی، جمعی و اجتماعی ملی داخلی و خارجی، فراملی و بین‌المللی تا جهانی را دربرمی‌گیرد و در تمامی بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اعم از سازمانی و اداری - مدیریتی، از جمله انتظامی، اطلاعاتی و نظامی / دفاعی و حتی حقوقی، قضایی و بلکه کیفری / جزائی ساری و جاری است. آنچه باعث قوام، انسجام و پویایی جامعه می‌شود، نگرش و درک صحیح از امنیت ملی کشور است؛ به همین دلیل است که مؤلفه امنیت در طول تاریخ بشری به‌مثابه بنیادی‌ترین و حیاتی‌ترین هدف نظام‌های سیاسی، همواره سایه سنگین خود را بر خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، رهیافت‌ها و راهبردهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در کشور افکنده است. تشدید تعاملات میان دولت - ملت‌ها و ایجاد انواع وابستگی بین واحدهای ملی و فراملی سبب شد که مفهوم امنیت بین‌المللی بیش‌ازپیش مورد توجه ویژه محققان سیاست بین‌المللی واقع شود. امروزه نیز برخی

محققان با زیرسؤال بردن ساختارهای امنیتی، از واژه‌هایی چون امنیت بشری صحبت می‌کنند. از طرف دیگر، در حوزه محتوایی امنیت نیز تحولاتی به وقوع پیوسته است. تحولات ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده در دنیای امروز موجب بروز پدیده‌های امنیتی نوظهور نیز شده است. تهدیدات و فرصت‌های امنیتی با گذشته متفاوت شده است؛ از این رو، واکنش دولت‌ها به این پدیده‌ها نیز توأم با موفقیت و شکست است. اکنون کشورها وارد فضایی شده‌اند که در آن، پدیده‌های امنیتی گستره بیشتری را فراگرفته و حوزه‌های وسیع‌تری از زندگی بشر را به خود مشغول کرده‌اند. مسئله سلاح‌های هسته‌ای و تکثیر آنها، منازعات بین دولت‌ها و تولید گسترده سلاح‌های کشتار جمعی همچون قبل، شیوع عامدانه بیماری‌های مسری و بیوتروریسم، گسترش فعالیت‌های نوین تروریستی و تحریم‌های اقتصادی وجود دارد.

از سوی دیگر، امنیت همواره چهره‌های جدیدی به خود می‌گیرد. اگر زمانی صحبت از چهره تک‌بعدی امنیت می‌شد و در زمان دیگر، چهره‌های پنج‌گانه ظاهر شدند، امروزه با چهره‌های دیگری از امنیت روبه‌رو هستیم که بنا بر تغییرات ملی و بین‌المللی حادث شده‌اند و سابقه‌ای در گذشته ندارند. چنین وضعیتی از امنیت ملی، آن را به موضوعی جذاب، پویا و رو به رشد تبدیل نموده است. همچنین موجب می‌شود که ابعاد، بازیگران، نظریه‌ها، عوامل، ساختار و رویکردها به امنیت ملی نیز تغییر یابند. نوع برداشت از مفهوم امنیت ملی بر سیاست‌ها و برنامه امنیتی کشورها اثر می‌گذارد.

محیط امنیت ملی کشورها همواره با ساختار محیط امنیتی نظام بین‌المللی ارتباط نزدیک دارد و اساساً این ماهیت محیط امنیتی بین‌المللی است که حدود محیط امنیت ملی کشورها و شکل حفظ آن محیط را معین می‌کند. محیط امنیت نظام بین‌المللی مبتنی بر چگونگی توزیع قدرت کشورها (اعم از: نظامی، سیاسی و اقتصادی) است. با هر تحول بین‌المللی، مفهوم و موقعیت محیط امنیتی بین‌المللی نیز تغییر می‌کند. منظور از محیط امنیتی بین‌المللی میزان اثرگذاری و اثرپذیری یک کشور در محیط نظام بین‌المللی است و این امر به قدرت و نفوذ هر کشور در نظام محیط امنیتی بین‌المللی بستگی دارد. به‌طور معمول، هر قدرت بزرگ جهانی ممکن است در سراسر جهان دارای منافع باشد، اما حتی آن قدرت نیز مجبور است منافع جهانی خود را درجه‌بندی کند تا سیاست لازم را برای هر منطقه به‌طور خاص پیگیری نماید. هر قدرت منطقه‌ای مجبور است فقط در منطقه خود ایفای نقش کند و حتی در درون آن منطقه نیز سلسله‌مراتبی از اولویت‌های منافع خود را تعیین نماید. بنابراین، سطح محیط امنیتی بین‌المللی به قدرت و نفوذ هر کشور در حفظ منافع خود در سایر مناطق جهانی بستگی دارد. به‌طور کلی، آنچه نظام بین‌المللی امروز را شکل می‌دهد، عمدتاً متأثر از تعاملات سیاسی و امنیتی جهانی مناطق بزرگی از جهان مثل آتلانتیک، پاسیفیک، اوراسیا و غرب آسیا و درواقع، ایفای نقش در این مناطق است که جایگاه و

موقعیت هر کشور را در محیط امنیتی نظام بین‌المللی نشان می‌دهد. میزان نفوذ و تأثیر هر کشور در صحنه بین‌المللی و در نظام جهانی حاکی از گسترش قدرت آن کشور در محیط بین‌المللی است.

استقرار امنیت پایدار اساسی‌ترین مسئله جوامع و نظام‌های حکومتی، و ضروری‌ترین بستر برای تحقق شکوفایی اقتصادی، رفاه اجتماعی و ارتقاء منافع ملی است. امنیت یکی از هدف‌های مهم نظام‌های سیاسی است و تأمین آن، وظیفه هر حکومتی است؛ از این رو، تأمین بالاترین درجه امنیت دغدغه دولتمردان در نظام‌های سیاسی است. از سوی دیگر، امنیت پدیده کمیاب و محدودی است که بر سر آن نزاع وجود دارد.

بر اساس نگرش ونت، سه فرهنگ هابزی، کانتی و لاکبی بر نظام بین‌الملل حاکم است. در فرهنگ هابزی، تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران است. در فرهنگ لاکبی، دولت‌ها به‌رغم تصادهایی که دارند، به حاکمیت هم احترام می‌گذارند. در فرهنگ کانتی، دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند. دولت‌ها برحسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی در پیش می‌گیرند؛ از این رو، فرهنگ راهبردی کشورها عامل مؤثری در شکل‌دهی محیط امنیتی آنان است. مواضع و رویکردهای مقامات تصمیم‌گیرنده کشورها در سیاست داخلی و خارجی، نوع فرهنگ راهبردی آنان را انعکاس می‌دهند.

جهانی شدن موجب ایجاد فضای نوینی برای امنیت کشورها شده است که با گذشته تفاوت دارد. عرصه‌ها، بازیگران، ابعاد و سطوح امنیت توسعه یافته و موجب شده‌اند که دولت‌ها ناگزیر در فضای جدیدی اقدام به کنش‌گری نمایند. چنین وضعیتی برای بازیگران غیردولتی شرایطی را به‌وجود آورده که دولت‌ها را به‌چالش می‌کشند.

کشورها در تأمین امنیت ملی خود باید به وضعیت نسبی اکتفا کنند. انتظار اینکه یک کشور در امنیت مطلق به‌سر ببرد، به‌منزله ایجاد ناامنی برای سایر بازیگران است که آن را برنمی‌تابند؛ از این رو، تشریک مساعی در امنیت منطقه‌ای و پیرامونی مهم تلقی می‌شود.

دو دسته عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در دو عرصه داخلی و خارجی منزلت قدرتی هر دولت را در نظام بین‌الملل مشخص می‌کنند. در گذشته، ساختار نظامی - سیاسی (سخت‌افزاری) در تعیین منزلت کشورها در نظام بین‌الملل بسیار نقش‌ساز بود. پس از آن، به‌ترتیب، ساختار اقتصادی - تکنولوژیک و سپس ساختار فرهنگی - ارتباطی نقش فزاینده یافتند. هریک از این تحولات، بُعدی از نقش و منزلت بازیگران را نشان می‌دهد؛ مثلاً توانمندی بازیگران از زاویه سیاسی - نظامی به پنج دسته ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط، قدرت کوچک و ریزقدرت تقسیم می‌شود. توانمندی و حوزه فعالیت هریک از این قدرت‌ها متفاوت است. بسته به تعداد ابزار قدرتی که بازیگران دارند، هریک می‌توانند به قدرت چندبُعدی

یا تک‌بعدی تقسیم شوند. علاوه‌براین، در مقایسه با گذشته، امروزه کشورهای درحال توسعه از قدرت بالاتری برخوردارند، ضمن اینکه برخی دولت‌ها مانند چین و هند نیز در شمار ابرقدرت‌ها قرار گرفته‌اند. مجموع شرایط فوق حاکی از شرایط متغیر امنیت ملی است که درمورد کشورها و مناطق با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند. پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی، رشد منطقه‌گرایی به‌دلیل کاسته شدن از ابعاد جبری ساختار دوقطبی و در نتیجه، ظهور سطوح جدید تحلیل، کاسته شدن از ابعاد فیزیکی و نظامی قدرت موجب تحول در مطالعات امنیت و استراتژیک، تحول در نظم لیبرال مبتنی بر انسان، و طرح ایده‌های همگرایانه و همکاری‌جویانه و طرح موضوعاتی مثل قدرت نرم در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و نیز طرح حوزه‌های جدید امنیتی به‌واسطه ظهور رشد شبکه‌های غیردولتی و فروملی به‌واسطه تحول ارتباطات شده است. این شرایط بر اثر عوامل مختلف داخلی و خارجی تغییرپذیر بوده و موجب شده است که برخی کشورهای ذره‌ای از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند.

برنامه این کتاب

تجده در کتاب حاضر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد مبانی و بنیان‌های امنیت ملی است. این مبانی شامل صیغه تاریخی، امنیت ملی، نظریه‌ها، ارتباط امنیت ملی با تهدیدات و منافع ملی، بازیگران و سازمان امنیت ملی، و پدیده‌های نوظهور در امنیت ملی بود. توسعه مفهومی امنیت ملی درحال تکمیل است و لایه‌ها و ابعاد نوینی از آن کشف می‌شود. هریک از مباحث کتاب قابلیت پرداختن به‌عنوان یک اثر مستقل پژوهشی را دارد، کما اینکه برخی مباحث تاکنون توسط اندیشمندان به‌خوبی مورد بحث قرار گرفته است. کتاب حاضر با چنین رویکردی درصدد شناسایی عوامل و بنیان‌های امنیت ملی در عصر حاضر در دوازده فصل نگارش یافته است. تدریس چندین ساله این درس در چندین دانشگاه موجب شده است که علاوه‌بر رویکرد آموزشی کتاب، به ابعاد پژوهشی آن نیز توجه شود.

در **فصل اول** کتاب، مفهوم امنیت ملی ریشه‌یابی، و تعاریف مختلف از دیدگاه اندیشمندان بیان شده است. همچنین درباره ویژگی‌ها، ابعاد و سطوح امنیت ملی نیز بحث شده است. **فصل دوم** به مبانی تاریخی امنیت ملی توجه دارد و شروع و سیر تحول آن از دوران وستفالیا به بعد را به بحث می‌گذرد. در **فصل سوم**، نظریه‌های معتبر و مشهور امنیت، از جمله: واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی، و سازه‌انگاری تشریح می‌شود. در **فصل چهارم**، سازمان امنیت ملی از حیث ساختار و سازمان مورد بررسی قرار گرفته است. کشورها عموماً در طراحی و تأمین امنیت ملی خود، سازمان مشخصی را تدارک می‌بینند که در این فصل به آن اشاره شده است. در **فصل پنجم**، مرجع امنیت ملی از دیدگاه مکاتب مختلف، و در **فصل ششم**

قدرت و امنیت ملی به عنوان دو مؤلفه‌ای که با یکدیگر رابطه مستقیم دارند شرح داده شده‌اند. **فصل هفتم** به بررسی تهدیدات امنیت ملی اختصاص یافته و در **فصل هشتم**، ابعاد امنیت ملی با نگرش به دیدگاه‌های جدید تحلیل شده‌اند. در **فصل نهم**، با عنوان «سازمان‌های اطلاعاتی و امنیت ملی»، یکی از بازیگران مؤثر در امنیت بررسی می‌شود. **فصل دهم** به موضوع مهم فناوری اطلاعات و امنیت ملی اختصاص یافته و در **فصل یازدهم**، جهانی شدن و امنیت ملی و تأثیر آن بر امنیت کشورها در عرصه ملی و بین‌المللی بحث شده است. در نهایت، **فصل دوازدهم** کتاب نیز به موضوع بازیگران غیردولتی اختصاص یافته است؛ همان بازیگرانی که امروزه نقش مؤثری را در امنیت یا ناامنی دارند. صمیمانه سپاسگزار عزیزانی هستم که اینجانب را در نوشتن کتاب حاضر یاری نمودند. از سرکار خانم فاطمه سلطانی به دلیل آماده‌سازی کتاب تشکر می‌کنم. همچنین از آقای دکتر اکبری، ریاست محترم مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، و همکارانشان که زمینه انتشار کتاب را فراهم نمودند قدردانی می‌کنم. از خوانندگان محترم و نکته‌سنج تقاضا دارم دیدگاه‌های اصلاحی خود را از طریق پست الکترونیکی با اینجانب درمیان بگذارند.

علی‌رضا قاضی‌زاده

فهرست مطالب

فصل اول: مفهوم‌شناسی امنیت ملی..... ۱۷

۱. برداشت‌های فلسفی از امنیت ۱۸
۲. امنیت ملی از منظر اندیشمندان ۱۹
۳. برداشت‌های مختلف از امنیت ملی ۲۵
۴. ابهام در مفهوم امنیت ملی ۳۳
۵. ویژگی‌ها و صفات امنیت ۳۴
۶. تحول مفهوم امنیت ملی ۳۷
۷. نگاه دولت‌ها به امنیت ملی ۴۰
۸. معمای امنیتی ۴۵
۹. مکتب کینه‌هاک و تحول در مفهوم امنیت ملی ۴۷

فصل دوم: مبانی تاریخی امنیت ملی..... ۶۱

۱. تأثیر نظام بین‌الملل بر امنیت ملی ۶۲
۲. تحول مفهوم امنیت در روابط بین‌الملل ۶۳
۳. ابعاد درک سنتی از مفهوم امنیت بین‌الملل ۶۴
۴. امنیت ملی و جنگ سرد ۶۶
۵. امنیت ملی در دوران پساجنگ سرد ۷۱
۶. ابعاد درک موسع از مفهوم امنیت بین‌الملل ۷۵

فصل سوم: نظریه‌های امنیت ملی..... ۸۱

۱. خاستگاه نظریات امنیتی ۸۱
۲. نظریات رئالیستی امنیت ملی ۸۲

۹۰	۳. نظریات لیبرالیستی امنیت ملی
۹۴	۴. نظریات امنیتی در جهان سوم
۹۷	۵. نظریات امنیتی سازه‌نگاران
۱۰۴	۶. نظریات امنیتی فراساختارگرایان
۱۰۷	۷. نظریات امنیتی انتقادی
۱۱۱	۸. نظریات امنیتی فمینیستی
۱۱۳	۹. نظریات امنیتی مارکسیستی

فصل چهارم: سازمان و ساختار امنیت ملی

۱۲۰	۱. طراحی و تصویب استراتژی امنیت ملی
۱۲۳	۲. سیاستگذاری امنیت ملی
۱۲۴	۳. بازیگران امنیت ملی
۱۲۴	۴. ساختار امنیت ملی
۱۲۶	۵. تعیین فرایند اجرا و تأمین امنیت ملی

فصل پنجم: مرجع امنیت ملی

۱۲۹	۱. شناسایی مرجع امنیت
۱۳۰	۲. ضرورت شناسایی مرجع امنیت
۱۳۱	۳. شناسایی شاخص‌های مرجع امنیت
۱۳۲	۴. انواع مرجع امنیتی
۱۳۵	۵. رئالیست‌ها و مرجع امنیت
۱۳۵	۶. نئورئالیست‌ها و مرجع امنیت

فصل ششم: قدرت، منافع و امنیت ملی

۱۳۷	۱. مفهوم قدرت ملی
۱۳۹	۲. اهداف ملی و امنیت ملی
۱۴۰	۳. مؤلفه‌های مادی قدرت ملی
۱۴۲	۴. مؤلفه‌های معنوی قدرت ملی
۱۴۷	۵. منافع ملی و امنیت ملی

فصل هفتم: تهدیدات امنیت ملی..... ۱۵۱

۱. مفهوم تهدید ملی..... ۱۵۲
۲. آسیب..... ۱۵۵
۳. چالش..... ۱۵۶
۴. خطر..... ۱۵۷
۵. مخاطره..... ۱۵۷
۶. فرصت..... ۱۵۷
۷. ذهنی و بویا بودن تهدید..... ۱۵۸
۸. شاخص‌های سنجش تهدید..... ۱۵۹
۹. انواع تهدیدات براساس مرجع تهدید..... ۱۶۰
۱۰. روش‌های برآورد تهدیدات..... ۱۶۰
۱۱. رویکرد محیط‌شناسی امنیتی در بررسی تهدیدات..... ۱۶۳
۱۲. دولت‌ها و تهدیدات ملی..... ۱۶۵
۱۳. عوامل تهدید کننده امنیت ملی..... ۱۷۱

فصل هشتم: ابعاد امنیت ملی..... ۱۷۳

۱. امنیت اقتصادی..... ۱۷۳
۲. امنیت سیاسی..... ۱۷۶
۳. امنیت فرهنگی..... ۱۷۸
۴. امنیت اجتماعی..... ۱۸۱
۵. امنیت نظامی..... ۱۸۴
۶. امنیت زیست‌محیطی..... ۱۸۷
۷. سایر ابعاد امنیت ملی..... ۱۹۱

فصل نهم: سازمان‌های اطلاعاتی و امنیت ملی..... ۱۹۳

۱. مفهوم اطلاعات..... ۱۹۴
۲. دلایل نیاز به اطلاعات..... ۱۹۵
۳. نظام سیاسی، اطلاعات و امنیت ملی..... ۱۹۷
۴. مأموریت‌های اطلاعاتی و امنیت ملی..... ۱۹۹
۵. اهداف اطلاعاتی و امنیت ملی..... ۲۰۲